



عکس: فاطمه نصر ایسنا

پیگیری نتایج یک اعتراض مسالمت آمیز پس از یک سال

محیط زیست؛ سری که بی کلاه ماند

فرزانه احمدی؛ سال گذشته همین روزها بود که جادر زدند و دو هفته‌ای خود را میهمان سفره خالی بستر رودخانه کردند. کشاورزان اصفهانی در بستر زاینده‌رود بست نشستند. خواسته‌شان یک موضوع بود: بازگشایی رود برای کشاورزی. کم‌کم مردم و فعالان محیط زیست هم با کشاورزان که همسایه پل خواجه شده بودند هم‌دل و هم‌صدا شدند. تا جایی که بخشی از هزینه‌های تخصص را بر دوش گرفتند. در آن روزها، لب‌های خشک زاینده‌رود مأمنی شد برای فریادهایشان. در یک روز جمعه اجتماع زیادی در بستر رودخانه و خیابان‌های اطراف پل خواجه شکل گرفت. کشاورزان آب برای کشاورزی می‌خواستند و می‌گفتند: تا آب نیاد تو رودخونه، برنمی‌گردیم به خونه. مردم و فعالان محیط زیست هم جریان دائمی رودخانه را طلب می‌کردند. بعد از دو هفته تخصص، نمایندگان کشاورزان با استاندار جلسه گذاشتند و به توافقی دست یافتند که طبق آن، قرار شد آب منطقه‌ای استان در تاریخ‌های پیشنهادی مورد اجماع کشاورزان با رعایت خط قرمز شرب، آب را رهاسازی کند و در عوض کشاورزان هم جادرهای خود را تا ساعت چهار صبح سوم آذر جمع کنند. در این میان عده‌ای از کشاورزان و مردم از توافق صورت‌گرفته راضی نشدند و رودخانه را ترک نکردند. با آتش‌زدن جادرهای این معترضان، در نهایت اعتراض و تخصص پایان یافت اما مطالبات این عده بی‌جواب ماند و کله فعالان محیط زیست و مردم راه به جایی نبرد.

دودستگی میان کشاورزان وتخصص‌کننده

حالا عده‌ای از فعالان محیط زیست می‌گویند نمی‌توانند و هیچ‌گاه نتوانسته‌اند برای تجمع در بستر زاینده‌رود یا فضاهای باز مجوز بگیرند. یک فعال محیط زیست در اصفهان این‌طور لب به شکوه باز می‌کند: «هرگاه تجمعی برای زاینده‌رود برگزار شد به کشاورزان محدود بود و فعالان محیط زیست تنها نتوانسته‌اند برای برگزاری همایش در سالن مجوز بگیرند».

به گفته منیره کرباسچی، صداسیما هم در این میان همواره مطالبات کشاورزان را پوششش داده است، با چنین رفتاری این شبهه به وجود می‌آید که نیتی وجود دارد تا مطالبه جریان دائمی زاینده‌رود به مردم کشانده نشود. محدود به صنف کشاورزی بماند و متولیان امر نتوانند با آنها توافق کنند. این به صورت یک ابهام در میان فعالان محیط زیست وجود دارد.

او از اتفاقات دیگری پشت پرده تجعات سال گذشته کشاورزان پرده برمی‌دارد: «سال ۱۴۰۰ که تجمع شکل گرفت، آب چندانی پشت سد موجود نبود تا برای کشاورزی رهاسازی شود؛ به‌ویژه که سال آبی قبل از آن، خشک سالی بود. در میان کشاورزان، کسانی هم بودند که اعتقاد داشتند آبی پشت سد موجود نیست و نباید بر رهاسازی آب تاکید کرد. در این میان این سؤال در ذهن‌ها ایجاد می‌شد که در نبود آب چرا تجمعات کشاورزان با این جدیت شکل گرفت؟ آیا اهدافی پشت تجمعات وجود داشت؟ اهدافی مانند اینکه برای اجرای طرح‌های انتقال آب فشار بیاورند یا شاید هم برای بستن قراردادهایی. اهدافی که برای تحقق آن به حضور کشاورزان نیاز بود، این به صورت یک احتمال همواره بین فعالان محیط زیست مطرح است و تاکنون کسی به آن جوابی نداده».

به گفته کرباسچی، در توافقی‌نامه‌ای که با کشاورزان در آن زمان منعقد شد، اهداف محیط‌زیستی مانند لزوم بازگشایی رودخانه برای جلوگیری از فرورفتن و ریزگردهای تالاب در نظر گرفته نشد و خواسته مردم به درخواست کشاورزان برای کشت پاییزه تقلیل یافت. در جلسه استانداری با کشاورزان که برای پایان تجمع برگزار شد، حتی یک نفر از فعالان محیط زیست حضور نداشت و توافق به گونه‌ای تنظیم شده که گویا رودخانه یک کانال آبیاری برای کشاورزی است.

تاکید او بر این است که طبق قانون، اولویت دوم پس از شرب، به محیط زیست اختصاص دارد و اگر آبی حتی اندک برای حفظ پایداری جریان زاینده‌رود موجود نیست، پس چگونه حجم زیادی صرف صنعت و کشاورزی می‌شود و حقوق و منافع عموم مردم و نسل‌های آینده به خاطر منافع کوتاه‌مدت نادیده گرفته می‌شوند؟

در نهایت در بهمن همان سال درجه‌های سد زاینده‌رود برای کشاورزی باز

که سر بستر رودخانه، یعنی صاحب اصلی آب زاینده‌رود، بی‌کلاه مانده است؟ یک پژوهشگر حوزه آب و توسعه، دخل‌وخرج زاینده‌رود را یکی نمی‌داند: «میزان تقاضا برای آب زاینده‌رود نسبت به منابع موجود بیشتر است، بنابراین طبیعی است که بعضی از تقاضاها بدون پاسخ بماند».

سروش طالبی آب پاکي را روی دست زاینده‌رود می‌ریزد: «وقتی برای شرب یا مصارف دیگر کمبود آب وجود دارد، دولت و ذی‌نفعان حوزه نخواهند پذیرفت که مقداری از آب به تالاب برود».

او برای ما توضیح می‌دهد که در اینجا هم بحث قدرت بیشتر مطرح است: «اینکه چه میزان آب به هر بخش اختصاص پیدا کند، درواقع به صدای بلندی که آن بخش دارد مربوط می‌شود؛ یعنی هر چقدر آن بخش قدرت چانه‌زنی بالاتری داشته باشد، در پیگیری و دریافت حقابه خود موفق‌تر خواهد بود. در این سال‌ها محیط زیست در برابر سایر مصارف، صدای ضعیف‌تری داشته است».

به گفته این پژوهشگر، تا ۱۵ سال قبل از این، بخش کشاورزی هم صدای بلندی نداشت اما در این سال‌ها کشاورزان توانسته‌اند در این معادله قدرت جایی پیدا کنند و مطالبه خود را با جدیت بیشتری پیگیر باشند. در این وضعیت، محیط زیست حتی نسبت به قبل ضعیف‌تر هم شده است.

همه اینها در حالی است که در صورت ترسیدن آب به تالاب کاوخونی، در سال‌های آینده ریزگردها چند استان اصفهان، یزد و چهارمحال‌وبختیاری را درگیر خود خواهد کرد. علاوه بر آن جاری‌نبودن رودخانه باعث می‌شود آبخوان اصفهان نتواند خود را بازپایی کند و مسئله فرونشست که در اصفهان رفته‌رفته به یک مسئله جدی تبدیل می‌شود و اصفهانی‌ها را مجبور به ترک دیار می‌کند که خود معضل بسیار بزرگی را برای مردم این استان و دولت رقم خواهد زد. در این میان خطر تخریب آثار تاریخی پرشمار و دارای اهمیت اصفهان هم لوزه بر اندام حامیان میراث فرهنگی انداخته است.

طالبی می‌گوید باید بررسی شود برای ایجاد یک جریان دائمی در رودخانه، حتی اگر به صورت حداقلی باشد، چه میزان آب باید رها شود تا پس از آبگیری چاه‌ها و رسیدن آبخوان به یک تعادل، مابقی به تالاب برسد.

علاوه بر آن، طالبی تاکید دارد که به دلیل کمبود آب در حوضه، برآورده‌کردن تقاضای محیط زیست، قطعاً بازندگانی خواهد داشت که سهم آب خود را از دست می‌دهند و برای مقابله با حمله‌های احتمالی از سوی این گروه، طرفداران و فعالان محیط زیست باید توانایی مقابله مداوم با آنها را داشته باشند و اهمیت محیط زیست را به‌طور مرتب به مردم و افکار عمومی یادآوری کنند تا جریان دائمی به یک مطالبه از سوی مردم تبدیل شود، بنابراین به یک گروه اجتماعی قدرتمند نیاز داریم.

او درباره توافق میان استانداری اصفهان و کشاورزان و غیاب فعالان محیط زیست در آن جلسه می‌گوید: «دولت به دنبال این است که شرایط را آرام و گروه‌های ناراضی را ساکت کند، بنابراین با افرادی که صدای بلندتری دارند جلسه می‌گذارد، البته باید توجه داشته باشیم که قدرت به دست می‌آید و این‌طور نیست که انتظار داشته باشیم دولت به خودی خود این قدرت را به فعالان محیط زیست بدهد، بلکه خود آنها باید پیگیر باشند تا حرفشان توسط دولت شنیده شود. سازمان‌یافتگی، آگاهی‌بخشی مداوم به جامعه و انجام کارهای علمی آنها را به یک صدای توانمند تبدیل می‌کند».

علاوه بر کشاورزی، صنعت و دیگر بخش‌ها هم بی‌سروصدا سهم خود را برمی‌دارند و در این میان خود زاینده‌رود است که خشک و خالی باد می‌خورد. به نظر می‌رسد پیش از هر چیز باید در تخصیص‌های اضافه به زاینده‌رود تجدیدنظر و حقابه محیط زیست به عنوان یک حق طبیعی در نظر گرفته شود. آنچه در این سال‌ها از آن غفلت شده، اصل ماجراست؛ زاینده‌رود باید جاری باشد.

گزارش

پیگیری «شرق» از آنچه در دبیرستان فنی آرمینه‌مصلی‌نژاد شهری گذشت

آموزش‌وپروورش: هیچ لباس‌شخصی و مأمور امنیتی وارد مدرسه نشده است

نسترن فرخه؛ در خبرهایی که روز گذشته در فضای مجازی منتشر شد، روایت شده بود که دانش‌آموزان دبیرستان فنی آرمینه مصلی‌نژاد شهری مقابل مدرسه تجمع کردند و شعار سر دادند که با برخورد مدیر دبیرستان مواجه شدند. سپس مدیر این دانش‌آموزان را تهدید می‌کند که با نیروهای انتظامی تماس خواهد گرفت. بعد از آن دانش‌آموزان را برای تعهد در حیاط جمع کرده که با مقاومت آنها درگیری و ضرب‌وشتن بین دانش‌آموزان و مدیر صورت می‌گیرد و مدیر یکی از دانش‌آموزان را از پله به پایین پرتاب می‌کند. همین منجر به آسیب دو دانش‌آموز و حضور دو آمبولانس در حیاط مدرسه شده که طبق کلیپ‌های منتشرشده، یکی از این ماشین‌ها فاقد پلاک بوده و همین برای بسیاری سؤال‌برانگیز شده؛ اما با پیگیری‌های خبرنگار «شرق» از آموزش‌وپروورش، برای توضیح و پیگیری دقیق موضوع، منع موقتی این روایت را تکذیب کرد و علت حضور آمبولانس در مدرسه را بیماری زمینه‌ای یکی از دانش‌آموزان دانست و در این زمینه توضیح می‌دهد که بعد از بدشدن حال یک دانش‌آموز، دوست دیگری هم دچار وحشت می‌شود و او هم از حال می‌رود. این منبع در آموزش‌وپروورش در پاسخ به سؤالی از اتفاقات پیش‌آمده در این دبیرستان به «شرق» می‌گوید: کلایک بی‌نظمی در مدرسه اتفاق افتاده بود، زنگ تفریح درگیری بین دو دانش‌آموز بوده، گویا یکی از دانش‌آموزها کم‌خونی یا یک بیماری زمینه‌ای داشته که از حال می‌رود. همان موقع کادر مدرسه با اورژانس تماس می‌گیرد که آمبولانس می‌آید، نفر دوم هم که دوست همین دخترخانم بوده و بالا سرش بوده، فشارش می‌افتد وحشت‌زده از حال می‌رود و بیهوش می‌شود. در جوی هم که به وجود آمد، تصور بر این بود که دانش‌آموزان اغتشاش کردند، مقتعه درآوردند و شعار دادند؛ درصورتی‌که ربطی به این مسائل نداشته و یک بی‌نظمی معمولی در مدرسه بوده است. این منبع درباره ماجرای پرت‌شدن دانش‌آموز از پله به دست مدیر این دبیرستان، اضافه می‌کند: صف مدرسه، در حیاط تشکیل می‌شود، مدیر از کدام پله دانش‌آموز را به پایین پرت کرده است؟ اینها همه سؤال است و جزء بداخلاقی‌های رسانه‌ای محسوب می‌شود. ممکن است کادر مدرسه برای جداکردن، ورود کرده باشند، او با اشاره به صداهای جیغ و فریادها در کلیپ‌های منتشرشده از حیاط دبیرستان، ادامه می‌دهد: این اتفاقی که آمبولانس‌ها به مدرسه وارد می‌شوند، یک فضای رعب و وحشتی برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کند و شاید علت صداهایی که در کلیپ منتشر شده، همین بوده است. دانش‌آموز اول که حالش بد می‌شود، به اتفاق اولیای خودش با آمبولانس به سمت بیمارستان می‌رود و دانش‌آموز دوم در همان مدرسه حالش جا می‌آید و وضعیتش نرمال می‌شود. دانش‌آموز اول هم بعد از او حدود سه ساعت در بیمارستان شرایطش عادی می‌شود و به اتفاق اولیا به خانه می‌رود. در واقع هیچ لباس‌شخصی و مأمور امنیتی‌ای وارد مدرسه نشده است. اصلا چنین روایی را نداریم و نداشتیم. این منبع درباره بدون پلاک بودن یکی از آمبولانس‌های داخل حیاط مدرسه که واکنش‌هایی را در فضای مجازی در پی داشت، می‌گوید: این یک چیز معمولی است، البته اینها دو آمبولانس بودند، اتفاقا این موضوع را هم مطرح کرده بودند که در این آمبولانس چه کسی بوده. اصلا آن آمبولانسی که پلاک نداشت از مدرسه بیرون نیامده؛ چون همان‌جا شرایط دانش‌آموز نرمال شده و از آمبولانس بیرون آمده است. ایشان در پایان اضافه می‌کنند: این کلیپ هم کلیپ گنگی است و همه اینها برداشت‌های شخصی افراد مختلفی است که مطرح کردند. مدیر چه کار کرده، آنجا چه اتفاقی افتاده، مدرسه آشوب بوده و فردای آن تعطیل شده است؛ درصورتی‌که دیروز مدرسه دایر بوده. اتفاق جلات هم برگزار شده، حتی جلسه با اولیای دانش‌آموزان هم برگزار شده و همه دانش‌آموزان بعد از جلسه به اتفاق اولیا به خانه می‌روند. البته در جلسه توجیهی و هماهنگ‌سازی و جلساتی که بین کادر مدرسه، مدیر منطقه و نماینده مدیرکل به اتفاق اولیا برگزار شده، توجیه‌سازی‌ها و اقناع‌سازی‌ها صورت گرفته است.



از تهران تا سیستان

توزیع نوشت افزار کیف و کفش

به مناسبت آغاز سال تحصیلی



کارت: ۶۱۰۴۳۳۷۸۹۳۰۵۱۱۸۳

حساب ملت: ۵۰۰۶۲۷۷۰۴۰

به نام مؤسسه خیریه نیکوکاران شریف

بازدواج زودهنگام دختران متوسطه دوم در برخی مناطق مواجه هستیم

«محمد محمدی»، مدیرکل دفتر آموزش دبستانی وزارت آموزش‌وپروورش، با بیان

اینکه در دو سال اخیر بحث بازماندگی از تحصیل به واسطه شیوع کرونا نه‌فقط در کشور ما بلکه در تمام کشورهای دنیا به یکی از مشکلات تبدیل شده بود، گفت: در دوران پساکرونا جزء اولین کشورهایی بودیم که بازگرداندن بچه‌هایی را که از آموزش فاصله گرفته بودند به سرعت در دستور کار خودمان قرار دادیم. وی افزود: مهم‌ترین اقدامی که لازم بود انجام شود، تکمیل بانک اطلاعاتی کودکان بازمانده از تحصیل است. داده و اطلاعات، مبنای مهمی در تصمیم‌گیری‌هاست. یک وفاقی در کشور شکل گرفت و معاون اول رئیس‌جمهور به عنوان فرمانده یک تیم پای کار آمد و توانستیم از بانک‌های اطلاعاتی در دسترس کشور استفاده کنیم. مدیرکل دفتر آموزش دبستانی وزارت آموزش‌وپروورش با اشاره به اینکه به عنوان مثال از ثبت احوال اطلاعات افراد در محدوده سنی شش تا ۱۷ سال را که وظیفه رسمی آموزش آنها بر عهده ماست، احصا کردیم، عنوان کرد: اطلاعات موجود را با دانش‌آموزانی که تا امروز ثبت‌نام کرده‌اند تطبیق دادیم. به این ترتیب تفاوت آمارها مشخص و اطلاعات کودکان بازمانده را در سامانه‌ای مزین به نام سردار شهید محمودوند وارد کردیم. محمدی افزود: در حال حاضر اطلس جغرافیایی ایران پهناور را در اقصی نقاط کشور برای شناسایی نقاط دارای کودکان بازمانده از تحصیل رسم کرده و در اختیار داریم. وی با بیان اینکه اکنون وضعیت تحصیل کودکان و نوجوانان از شش تا پایان ۱۷ سال را به دقت رصد می‌کنیم، گفت: یکی از مهم‌ترین مشکلات ما در مبادی ورودی به‌ویژه اول ابتدایی است. ما ملزم هستیم هر ساله نرخ جذب خالص پایه اول ابتدایی را به‌روزرسانی کنیم که یکی از مشکلات ما در این زمینه دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل هستند. مدیرکل دفتر آموزش دبستانی

وزارت آموزش‌وپروورش ادامه داد: در همین راستا، تمرکز طرح شهید محمودوند نیز بیشتر بر شناسایی چهره به چهره و اسناد مبادی بی‌سوادی در پایه اول متمرکز است. بازماندگی علل مختلفی دارد که کرونا آن را تشدید کرد. ما در حوزه آموزش‌وپروورش، آموزش کودکان صعب‌العلاج، کودکان کار، مهاجرت‌های داخل و خارج از کشور و عشایر کوچ‌رو را داریم و با مواردی همچون ازدواج زودهنگام دختران در متوسطه دوم در برخی مناطق روبه‌رو هستیم که همین موارد می‌توانند از علل بازماندگی از تحصیل باشند. محمدی ادامه داد: اما در دوره ابتدایی به ندرت دانش‌آموزی داریم که به علت عدم دسترسی به مدرسه از تحصیل باز مانده باشد. عدد در‌خور توجهی مدارس کم‌جمعیت زیر ۱۰ دانش‌آموز داریم. وی با اشاره به اینکه نهادهای دولتی، سمن‌ها، خیریه‌ها، مراکز محلی و حلقه‌های واسط و مردمی در قالب طرح شهید محمودوند پای کار بازگرداندن بازماندگان از تحصیل به مدرسه آمده‌اند، اظهار کرد: در سامانه‌ای که ذیل سامانه جامع دانش‌آموزی کشور (سیدا) تعریف شده است، به ۷۰ هزار مدیر مدرسه ابتدایی، سه هزار راهبر آموزشی و تربیتی و همه معلمان دوره ابتدایی کد دسترسی داده‌ام. مدیرکل دفتر آموزش دبستانی وزارت آموزش‌وپروورش افزود: برای هرکدام از اینها که عمداً هم مدیران و نیروهای جهادی ما هستند، این امکان فراهم شده که پیگیری وضعیت سه تا پنج کودک بازمانده از تحصیل در منطقه‌شان را بر عهده بگیرند. آدرس کودکان بازمانده را اختیار همکاران ما قرار می‌گیرد و آنها به آدرسی که داده‌ایم مراجعه و اطلاعاتی را به صورت میدانی جمع‌آوری می‌کنند. حرف غیرمستندی از مسئول پیگیرمان نمی‌پذیریم و باید مرکز بهداشت، دهیاری و بخشدار مستندات را تایید و علت بازماندگی را مشخص کنند.